

بحث کوتاهی دربارهٔ قطب عالم امکان و محور عالم وجود واسطهٔ بین

غیبت و مشهود ؛ حضرت بَقِيَّهِ اللهُ عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف

این بحث دارای یک مقدمه و شش فصل است . مقدمه حاوی سه مطلب است :
 ۱- فضایل آن بزرگوار ۲- قضیهٔ امام زمان روحی فداه خَرَقِي عَادَتِ اسْتِ ؛ نه جریان
 طبیعی ۳- اثبات وجود مقدس امام زمان .
 و اما فصول : ۱- از تولد تا غیبت کبری ۲- فواید غیبت ۳- طول عمر ۴- کیفیت
 ظهور و چگونگی آن ۵- نحوهٔ حکومت آن بزرگوار ۶- انتظار فرج و معنی انتظار فرج .

مقدمه

وَالْعَصْرِ ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ، وَتَوَاصَوْا
 بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.^۱

۱- این مسأله محل اختلاف است که پرودگار عالم از جملهٔ وَالْعَصْرِ چه اراده نموده

^۱-سورهٔ عصر

است ؟ و این عصر که خداوند به او قسم خورده است ، کی است و چیست ؟ بعضی از مفسرین گفته اند که : مراد نماز عصر است ؛ زیرا نماز در اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است ، خصوصاً نماز عصر که نماز وسطی است و در قرآن به آن بیشتر اهمیت داده شده . فخر رازی در تفسیرش روایتی نیز از رسول اکرم برای تأیید این قول آورده است .^۱

بعضی دیگر گفته اند که مراد . عصر رسول الله (ص) است .^۲ به این تقریب که اگر بعضی از بزرگان روز داشته اند ، رسول اکرم روزها ، عصرها داشته است . روزی که توانست دخترگوشی را از سرزمین حجاز بردارد ، روز پیامبر است . روزی که توانست رأفت ، رحمت و مهربانی را جایگزین قساوت ، ظلم و شقاوت کند ، روز پیامبر بود . روزی که توانست الله را به جای بت منتشر کند ، توحید را به جای شرک جایگزین کند و بتها را در خانه خدا بشکند روز رسول اکرم بود.

بعضی دیگر گفته اند مراد ، عصر حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است^۳ ؛ زیرا او هم نظیر رسول اکرم روزها دارد ؛ روز انتشار عدل ؛ روز رفع ظلم از جهان ؛ روز برافراشتن پرچم توحید روی زمین ؛ روز بزرگ کردن مستضعف و کوبیدن مشرک ؛ ملحد و اشتهارگر ؛ روز انتشار قوانین اسلام در جهان و ...

قول چهارمی نیز هست و آن اینکه مراد ، فشار دادن باشد ؛ زیرا عصر به معنی فشار دادن است و همه سعادت‌ها زیر سرفشار است ، و مرهون این ناموس است. اگر مخترع ،

^۱-تفسیر فخر رازی ج ۳۲ ص ۸۶

^۲-تفسیر فخر رازی ج ۳۲ ص ۸۷

^۳-کمال الدین صدوق ره

مخترع می شود. مرهون صبر ، تحمل و قبول فشار کار است . اگر عالم ، عالم می شود ، زیر سر این ناموس طبیعت است . اگر پیامبر اکرم توانست اسلام را منتشر کند ، مرهون تحمل زحمات طاقت فرسای او است . اگر انسان از خسران در می آید ، مرهون قبول ایمان و عمل صالح و توصیه به حق و توصیه به صبر است .

ولی آنچه از این معانی بهتر به نظر می رسد ، معنای دیگر است و آن اینکه بگوییم مراد : عَصَارَةُ عالم خلقت است و عَصَارَةُ عالم خلقت، وجود مقدس حضرت بقیه الله روحی فداه است. چنانچه او سِرِّ مُسْتَوْدَع و سَلَالَةُ النَّبِيِّین است ، از نظر دعاها و زیارتها. ما در تشریح فضایل مهدی روحی فداه ، به همین مقدار اکتفا می کنیم؛ زیرا از آنچه گفته شد ، معلوم می شود که آنچه خوبان دارند ، او تنها دارد . شاید از این جهت است که پیامبر گرامی فرمود : شب معراج دوازده نور در ساق عرش دیدم و نور دوازدهمی مثل ماه در میان ستارگان بود .

۲- قضیه مهدی عَجَلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف ، یک قضیه خرقِ عادت است و ما در این جهان ، قضایای خارقِ عادت فراوان داریم . ما نباید قضیه مهدی روحی فداه را یک جریان طبیعی بدانیم ، تا در توجیه و تفسیر آن بکوشیم . قرآن شریف قضایای خارقِ عادت زیاد نقل می کند و اگر کسی بگوید : یکی از علل اینکه قرآن قضایای خارقِ عادت را نقل می کند ، این است که ما قضیه حضرت بقیه الله را بتوانیم بپذیریم و آن را شبیه همان قضایای قرآن قرار دهیم ، بعید به نظر نمی رسد .

قرآن ، قضیه حضرت عیسی را نقل می کند که او در گهواره برای مردم چنین گفت :
اِنِّی عَبْدُ اللّهِ اَتَانِی الْکِتَابَ وَ جَعَلَنِی نَبِیٌّ وَ جَعَلَنِی مَبَارَکًا اَیْنَ مَا کُنْتُ وَ اَوْصَانِی

بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا وَالسَّلَامُ
عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا.^۱

همانا من بنده خدایم ، او به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده و وجود مرا برای
انسانها مبارک و میمون کرده است و نماز و زکات را به من توصیه نموده است .
همچنین نیکویی به مادر به من توصیه شده و مرا ظلم و شقی خلق نکرده است . درود
بر من ، روزی که زاییده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده می شوم !
اگر ما به قضیه مهدی رسیدیم و گفتند که : او حین تولد ، قرآن خواند و خبر از
حکومت داد و اینکه او در طفولیت امام بود ، استیحا ش نکنیم و بدانیم که نظیر آن در
عالم خلقت ، فراوان بوده است .

قرآن قضیه حضرت یونس را نقل می کند و بالاخره درباره او می فرماید :

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبَّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ.^۲

اگر نبود از تنزیه کنندگان ، حتماً تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند . تا ما از
طول عمر - هزار سال ، دو هزار سال ، دو هزار سال و بیشتر - حضرت بقیه الله متعجب
نباشیم . آن خدایی که می تواند حضرت یونس را تا روز قیامت در شکم ماهی زنده
نگاه دارد ، می تواند ولی خود را در قشر عصمت در این جهان باقی بدارد .

قرآن قضیه اصحاب فیل را نقل می کند و بالاخره می گوید : ” پرستوها اصحاب فیل

^۱-مریم، آیات ۳۰ و ۳۱ و ۳۲

^۲-صافات ، آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

را مثل کاه جوید نمودند .^۱ تا ما بدانیم حضرت بَقِيَّةِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف ، به واسطه امدادهای غیبی می تواند به آسانی بر این جهان مسلط شود.

۳- شاید نتوان در اسلام قضیه ای پیدا کرد که مشهور تر از قضیه مهدی باشد . قضیه مهدی عَجَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف در صدر اسلام قضیه ای فوق العاده ضروری و واضح است . علامه مجلسی در جلد سیزده بحار ، بیش از پنجاه آیه (و می گویند ۱۳۰ آیه) در شأن مهدی آورده است . روات اسلام از سنی و شیعه قریب به ده هزار روایت برای مهدی نقل کرده اند . صفتی که پیامبر اسلام به مهدی داده است و سایر ائمه نیز فرموده اند ، چنین است .

بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا .

” پروردگار عالم ، به دست او زمین را پر از عدالت می کند ، بعد از آنکه پر از ظلم شده باشد . “ این روایت قطعاً از متواترات است ؛ زیرا بیش از سیصد روایت دارای این جمله است .

افراد که قبل از غیبت و بعد از غیبت به خدمت ایشان رسیده اند ، کم نیستند . افرادی عادی نیستند و اگر بشود آنان را انکار کرد ، قطعاً می شود انکار اصل وجود اسلام را نمود که اصلاً پیامبری نبوده و اسلام رانیاورده است . هیچ کسی از سنی و شیعه ، منکر این نیست که قضیه مهدی قضیه ای است که پیامبر از او خبر داده و او است که پرچم اسلام را روی کرده زمین افراشته می کند و عدالت ، سرتاسر جهان را فرا می گیرد. فقط و فقط ابْنِ خَلْدُون در مقدمه تاریخ خود منکر این مطلب شده ؛ اما

^۱-سوره فیل / ۵

او هم در اصل تاریخ آن را قبول داشته و اثبات می کند ، و تحلیل سیاسی از مقدمه او گویای این است که انکار او جنبه سیاسی دارد ؛ زیرا در برابر فاطمیین که ادعای مهدویت کرده بودند ، انکار مهدویت نموده است .

۱- تولد تا غیبت کبری

تولد آن بزرگوار ، شب جمعه نزدیک اذان صبح پانزده شعبان سال ۲۵۵ هجری واقع شد .^۱ عدد ۲۵۵ از نظر حروف اَبْجَدُ مساوی با کلمه نور است . مادر آن بزرگوار نرگس نام داشت که دختر پادشاه روم و دست تقدیر او را به امام عسگری رسانید .^۲

حکیمه خاتون دختر حضرت جواد (ع) میگوید: روز چهاردهم شعبان خدمت حضرت عسگری بودم. حضرت فرمودند: امشب را پیش ما باش که خداوند فرزندی به ما عنایت می کند. چون اثر حمل در نرگس ندیدم، تعجب کردم و شب را خدمت آن بزرگوار بودم. آخر شب از خواب بیدار شدم و با نرجس نماز شب خواندیم. نزدیک طلوع فجر در دل گفتم: چه شد آنچه حضرت فرمودند؟! حضرت عسگری از اتاق دیگری فرمودند: عمه جان ! وعده خداوند نزدیک است.

طولی نکشید که لرزه ای به اندام نرگس افتاد و من او را در بغل گرفتم. آثار وضع حمل در او پیدا شد و پاره ماهی به دنیا آمد که به سجده رفت و انگشت سبابه خود را رو به آسمان بلند کرد شهادتین گفت اسماء ائمه را به زبان آورد تا به اسم خود رسید. سپس

^۱-جلاء العیون شبر ره ج ۳ ص ۱۳۸، اصول کافی ج ۱ ص ۵۱۴

^۲-کتاب الغیبه شیخ طوسی ره

گفت: "ای خدا! وعده خود را برای من مُنَجِّز کن و کاری را که به عهده من است، به اتمام برسان و آنچه برای من فرموده ای، به اثبات رسان و با دست من جهان را از عدل پر کن." و دیدم که به دست راست او نوشته شده بود: **جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ**

كَانَ زَهُوقًا^۱

"حق آمد و باطل نابود شد؛ همانا باطل از بین رفتنی است."

حضرت عسکری فرمودند: "نور دیده ام را بیاور."

بچه را پیش حضرت بردم. سلام کرد و فرمود:

**و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمُ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ^۲**

اراده میکنیم-امر قطعی و مسلم این است - اینکه منت گذاریم بر مستضعفین در این زمین و آنان را پیشوای جهان قرار دهیم و آنان را وارث این زمین قرار دهیم و نشان دهیم و فرعون و فرعونیان را، هامان و هامانیان را از آن مستضعفین از آنچه می ترسند.^۳

گویا این آیه شریفه می فرماید که سنت حق تعالی این است که فرعون و فرعون صفتها به دست مظلومها نابود شده و می شوند، و سر انجام زیر دست ظالمین، ظالم را سر جای خود خواهند نشانید. ما نباید از این قضیه تاریخی **أَسْتَبْعَادُ** کنیم؛ زیرا **خَرْقِ عَادَتِ** است، ریشه قرآنی دارد.

^۱ - بنی اسرائیل، قسمتی از آیه ۸۱

^۲ - قصص، آیات ۶ و ۵

^۳ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۹، کتاب الغیبه شیخ طوسی (ره)

چنانچه در مقدمه متذکر شدیم، حضرت بقیه الله پنج سال با پدر و در این پنج سال تا آن اندازه که ممکن بود، حضرت را معرفی نموده است. محمد بن معاویه و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان که همه از بزرگان شیعه هستند، نقل می کنند که حضرت عسگری به ما، که چهل نفر بودیم، حضرت بقیه الله را معرفی نمود و فرمود: هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوا وَلَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ^۱.

”این امام شما است بعد از من. او را اطاعت کنید، متفرق نشوید که هلاک می شوید.“

سعد بن عبدالله از علمای بزرگ شیعه می گوید: چهل مسأله مشکل خدمت حضرت عسگری نوشتم و نزد احمد بن اسحاق، که او هم از وکلای امام عسگری و از علمای بزرگ شیعه است، بردم که خدمت امام برساند و جواب بیاورد. احمد بن اسحاق به من گفت: خودت بیاتا با هم خدمت حضرت عسگری مشرف شویم. سعد بن عبدالله می گوید: با احمد بن اسحاق خدمت حضرت عسگری رسیدیم و حضرت بقیه الله آنجا بود. صد و شصت کیسه و جوه برّیه را بردار و حرام آن را از حلال و خوب آن را از مشتبه فرق بگذار! حضرت بقیه الله صاحبان همه آن صد و شصت کیسه را نام برد. مقدار پول موجود در کیسه ها را فرمود و حلال را از حرام فرق نهاد. سپس مسایل مشکل مرا بدون تأمل جواب داد؛ حتی برخی از آنها را قبل از اینکه بپرسم جواب داد.^۲

پس از شهادت حضرت عسگری (ع) ، امامت به حضرت بقیه الله منتقل شد و آن حضرت از ترس دشمن مجبور به غیبت شد؛ ولی در مدت هفتاد و چهار سال، خواصّ شیعه با

^۱ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۶، کمال الدین

^۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۷۸ - کمال الدین صدوق ره

حضرت تماس داشتند. تماس حضوری، تماس مکتوب، تماس با واسطه وکلای آن حضرت. در آن هفتاد و چهار سال از طرف آن بزرگوار، چهار نفر به منصب وکالتِ خاصه منصوب بودند که حضرت، غالب کارها را به واسطه آنان انجام می داد. آن چهار نفر عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سیمری هستند. این چهار نفر مورد اعتماد ائمه طاهرین و همه بزرگان شیعه بوده اند.

بعد از هفتاد و چهار سال، نامه ای از امام برای علی بن محمد سیمری آمد که فرموده بود: "همین چند روزه می میری، نیابت خاصه تمام شد و از این به بعد، نوبت غیبت کبری است." ^۱ از این جهت آن هفتاد و چهار سال را غیبت صغری نامیدند. ^۲

چون امر امت اسلامی نباید تعطیل شود، زمام امور را به دست مجتهد جامع الشرائط دادند، و در توقیعی که برای ثقه السلام کلینی صاحب کافی از طرف حضرت بقیه الله نوشته شده بود، و آن توقیع را کلینی و صدوق و شیخ در کتب اربعه نقل فرموده اند، چنین مرقوم شده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّتُهُ
اللَّهُ.

و اما پیشامدهایی را که باید به من مراجعه کنید، به راویان احادیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان از طرف من حجّت بر شما هستند؛ چنانچه من حجّت بر شما از طرف خداوند می باشم.

^۱ -احتجاج طبرسی ره ج ۲ ص ۲۹۷ ط نجف - کمال الدین
^۲ - شیخ مفید در ارشاد تصریح می کند که "غیبت صغری" از تولّد حضرت مهدی علیه السلام حساب می شود تا روز رحلت آخرین نایب خاص آن حضرت. (۳۲۹-۲۵۵) ه-ق

نظیر این روایت از امام صادق نیز صادر شده^۱ و آن حضرت نیز امر امت اسلامی را- موقعی که دسترسی به امام معصوم نباشد- به دست مجتهدجامع الشرایط داده اند. بحث از ولایت فقیه، بحثی است ارزنده و مفصل و ما در این کتاب مقایسه ای بین نظامهای اقتصادی از آن بحث نموده ایم. طالبین می توانند به آنجا مراجعه کنند. اصل غیبت، سری از اسرار الهی است. از ائمه دین از سر غیبت سوال شده است و فرموده اند که غیبت سری از اسرار خدا است.^۲ امام صادق علیه السلام فرموده است: جریان غیبت، نظیر قضیه حضرت موسی و خضر است و چنانچه بعد از اتمام درس مخصوص که برای موسی نهاده شده بود، سر کارهای حضرت خضر معلوم می شود. بنابراین ما در سر غیبت بحث نمی کنیم، ولی آنچه می دانیم بقیه الله علاوه بر اینکه رقیب موکل؛ نگهبان - بر عالم هستی است و قرآن می فرماید :

قُلْ اَعْمَلُوا فِى سَبِيْرِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ.^۳

بگو هر چه می خواهید به جا آورید؛ ولی بدانید که خدا و رسول او و ائمه طاهرين بر شما رقابت دارند. " خود ایشان بنابر توفیعی که برای شیخ مفید رحمه الله فرستاده اند، چنین فرموده اند :

اِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِيْنَ لِمَرَاَعَاتِكُمْ وَ غَيْرُ نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذٰلِكَ لَسَلَبْتُكُمْ الْاَعْدَاءُ.^۴

^۱ -وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ (احتجاج طبرسی) و هر یک از فقیهان که نگهدار نفسش و نگهبان دینش و مخالف هوا و مخالفت مایلات نفسا نیش و فرمانبر مولایش باشد، بر عوام واجب است از او تقلید کنند.

^۲ -علل الشرایع صدوق (ره) باب ۱۷۹ ص ۲۴۶

^۳ -توبه ۱۰۵

^۴ -احتجاج طبرسی ره ج ۲

” همانا ما شما را مهمل و بی سرپرست نگذارده ایم و مراعات شما را می کنیم . مواظبت از شما داریم و به یاد شما هستیم و شما را فراموش نمی کنیم و اگر نبود مراعات ما و اینکه به یاد شما هستیم ، دشمن شما را نابوده کرده بود.“

آن حضرت واسطه فیض عالم هستی است و ائمه طاهرين به اينکه آنان واسطه فیض عالم هستی می باشند، اشاره دارند .

روایاتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ^۱ و امام صادق علیه السلام ^۲ و حضرت بقیه الله ^۳ موجود است که وقتی سؤال می کنند : فایده امام غایب برای عالم هستی چیست ؟ جواب می دهند : امام غایب ، نظیر خورشید زیر ابر است . چنانچه خورشید زیر ابر مفید برای عالم ماده است، گرچه مردم از دیدن آن محروم هستند ؛ همچنین است وجود امام غایب .

برای توضیح اینگونه روایات ، باید گفت : برای هر چیزی در این جهان محور و مرکزی است . از اتم تا کهکشان ، وجود محور و مرکز برای آنها امری ضروری و قطعی است . پروردگار عالم برای هر دانه اتم محور و مرکزی قرار داده است ، که بقا و هستی آن اتم وابسته به آن محور و مرکز است و بقا و هستی آن محور و مرکز خود اتم وابسته به ذات ربوبی است . همچنین است همه کهکشانشان . وقتی چنین است ، قاعده استقراء می گوید :

” اگر جزء این جهان محور و مرکز داشته باشد ، باید همه جهان روی هم ، محور و مرکز داشته باشد تا جهان وابسته به او و جهان وابسته به ذات ربوبی باشد .“ حضرت بقیه الله محور و مرکز ، همه جهان وابسته به او و او همه جهان وابسته به ذات خدا است .

^۱-منتخب الاثره ، ص ۲۷۱

^۲-کمال الدین ج ۱/ص ۲۶۵

^۳-احتجاج طبرسی ره ج ۲ ص ۲۸۱- کمال الدین صدوق ره

این معنای روایاتی است که می گوید : امام زمان نظیر خورشید زیر ابر است . ما اگر چه از آفتاب علم و فضایل امام زمان محروم هستیم ؛ ولی وجود ما ، وجود آسمان و زمین ، وجود عالم هستی وابسته به او است . در زیارت خود حضرت می خوانیم : **بِئْمِنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَ بُوْجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ .**

به واسطه وجود مقدس او به عالم هستی فیض داده می شود و به واسطه او آسمان و زمین پابرجا است .

در روایات فراوانی در وصف امام عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین آمده است :

لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا

اگر حجت خدا نباشد ، زمین پابرجا نخواهد بود .^۱

در زیارت جامعه کبیر چنین آمده است .

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَ بِكُمْ يُنْفِي الْأَهَمَّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ .

وجود عالم هستی از اول تا پایان ، به واسطه شما است . نزول باران ، فیض خدا برای عالم هستی به واسطه شما است . بقای عالم هستی به واسطه شما است ، بر طرف شدن غمها و بلاها به واسطه شما است .

^۱ - به این مضمون در اصول کافی کتاب الحجج ص ۱۷۷-۱۷۹ هفده روایت نقل شده است از جمله این روایت : لَوْلَا مَا عَلَى الْأَرْضِ مِمَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا : اگر از ما فردی در روی زمین نباشد ، هر آینه زمین اهلش را فر و می برد .

از همه این فواید که بگذریم ، زمینه رشد سیاسی و فکری که مقدمه ظهور است ، در زمان غیبت پیدا می شود و اگر غیبت نباشد ، ظهور ممکن نیست . توضیح این نکته در بحثهای بعدی انشاء الله می آید .

• ۲- طول عمر

علمای زیست شناسی می گویند : مرگ و پیری دو امر عرضی است که می شود آن را از جهان برداشت .

آنان با تجربه هایی که روی نباتات و برخی از حیوانات داشته اند ، گفته خود را به ثبوت رسانیده اند .

عمر چهارده روزه یک گیاه را با مراقبت ، به شش سال رسانده اند .

عمر برخی از حیوانات را توانسته اند با مراقبت ، نهصد برابر کنند . دانه گندمی را که در خوشه بوده ، در مصر یافته اند که از عمر آن چهار هزار سال می گذشته است . آن را کاشته اند و سبز شده و چون در خوشه بوده، توانسته عمر خود را چندین هزار برابر کند.

قانون تناسب به ما می گوید : اگر با مراقبت بشود عمر حیوانی را به نهصد برابر بالا ببریم، با مراقبت، عمر طبیعی انسان را که صد سال است ، می شود به چندین هزار سال بالا برد. این نکته را از قرآن شریف بیرون می آوریم . قرآن راجع به عزیز پیامبر چنین می گوید:

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ

لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلِكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱.

عبور نمود - عزیز پیامبر - به دهی که بر مردمش خراب شده بود ، گفت : چگونه پرودگار این مرده ها را زنده می کند؟! - چون چنین فکری کرد - صد سال خدا او را می دانید ، سپس او را زنده کرد و گفت : چه مقدار اینجا مانده ای ؟ گفت : یک روز با نصف روز ، خطاب شد : بلکه صد سال ، بین که غذا و آبی که همراه داشتی ، فاسد نشده است و نظر کن به الاغت - که پوسیده بود . تو را نشانه ای برای مردم - در رابطه با معاد - قرار دادیم ، که چگونه استخوانهای آن را جمع می کنیم و گوشت روی آن را می رویانیم . چون دید صحنه را - کیفیت زنده نمودن مرده را - گفت : می دانم که خدا بر همه چیز قادر است .

مطالبی که از این آیات استفاده می کنیم ، این است که غذا و آب که عمر طبیعی آن در میان آفتاب یک روز است ، تحت مراقبت حق به صد سال مضاعف شده است . قانون تناسب به ما می گوید : عمر طبیعی انسان که صد سال ، با مراقبت چندین میلیون سال خواهد شد .

مطلبی که نباید فراموش شود ، این است که همه اینها برای تقریب ذهن است و ما روی آن تکیه ندارم ؛ آنچه بر آن تکیه می کنیم مطلبی است که در مقدمه متذکر شدیم . یونس پیامبر، بدون اجازه از خدا از میان قومش خارج شد و این کار با شأن یک پیامبر سازگار نبود ؛ از این جهت در شکم ماهی زندانی شد و هفت شبانه روز آنجا بود. در شکم ماهی به

^۱- بقره، آیه ۲۶۱

خطای خود توجه نمود و توبه کرد و قرآن می فرماید که او می گفت : لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ^۱ . تا پس از هفت روز از زندان نجات پیدا کرد . قرآن
می گوید : اگر در زندان توبه نکرده بود ، تا روز قیامت زندانی باقی می ماند. فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ

مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ^۲.

آن خدایی که قدرت دارد پیامبر خود را در شکم ماهی هفت شبانه روز بلکه تا روز
قیامت نگاه دارد ، قدرت دارد ولی خود ؛ ذخیره خود ؛ سرّ مُسْتَوْدَع خود را تا وقتی که
مقدّر باشد ، در این کره زمین نگاه دارد .

نکته دیگری که از قرآن استفاده می کنیم ، این است که عمر طبیعی انسان هزار سال به
بالا است . قرآن راجع به نوح پیغمبر چنین می فرماید :

فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا^۳

نوح در میان قومش هزار سال مقداری کمتر - نهصد و پنجاه سال - زندگی نمود . در
روایات آمده است که ۲۴۰۰ سال مدت عمر او بوده است و نهصد و پنجاه سال مدت
رسالتش^۴ .

خلاصه سخن اینکه طول عمر مهدی روحی فداه یک امر طبیعی نیست ، بلکه خرق
عادت است ، و خرق عادت در این جهان بسیار است . امام دوم حضرت مجتبی علیه السلام به
همین جهت اشاره می کند و می فرماید :

^۱-انبیاء / ۸۷

^۲-صافات ، آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

^۳-عنکبوت / ۱۴

^۴-حیات القلوب علامه مجلسی ج ۱

يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابِّ ابْنِ دُونِ أَرْبَعِينَ سَنَةً
ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

” خداوند عمر او را طولانی می کند . سپس او را به واسطه قدرتش ظاهر می کند . - بر جهان غلبه می دهد - به صورت جوانی کمتر از چهل سال ، این کار برای این است که دانسته شود خداوند تعالی بر هر چیزی قدرت دارد .“

• ۳- کیفیت ظهور و جگونگی آن

آنچه از آیات و روایات استفاده می شود این است که انقلاب حضرت بقیه الله انقلاب دفعی است نه انقلاب تدریجی . در روایات می خوانیم که فرموده اند کار مهدی در یک شب تمام می شود.^۲ در بعضی از روایات فرموده اند در شش روز ، به این معنی که غلبه در یک شب و تسلط در شش روز .

کلمه ارث که در آیات مر بوط به مهدی عَجَّ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ به کار رفته ، قاعدتاً باید نکته ای را در برداشته باشد :

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.^۳

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.^۴

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.^۵

^۱-بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۳۲، کمال الدین صدوق ره

^۲-امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله: أَلْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ النَّبِيِّتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ (بحار ج ۵۲ ص ۲۸۱)

^۳-قصص، آیه ۵

^۴-انبیاء آیه ۱۰۵

^۵-اعراف ، قسمتی از آیه ۱۲۸

وَأَوْرُثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا.^۱

در این چهار آیه که مربوط به حضرت بقیه الله است ، کلمه ارث به کار رفته است و شاید نکته آن این باشد که چنانچه انتقال ارث دفعی و بدون تحمل مشقت است ، تسلط شیعه بر جهان به رهبری حضرت بقیه الله نیز چنین است . نکته دیگری که در این آیات است و باید فراموش نشود این است که تسلط مهدی رُوحی فداه بر این جهان به خواست خدا است ؛ چنانچه در آیات دیگری نیز به او تذکر داده شده است و چیزی که به خواست خدا باشد ، واقع خواهد شد .

از این آیات نیز استفاده می کنیم ، که کیفیت تسلط او بر این جهان خرق عادت است و به مشیت الهی ، به سنت جاریه ای که پروردگار آن را قرا داده ، واقع می شود . مسلم است که این انقلاب دفعی ، زمینه لازم دارد و زمینه و اقتضای آن به دست مردم است ، مربوط به مردم است و این مردمنده که باید لیاقت و استعداد این انقلاب را داشته باشند . از نظر روایات ، این استعداد به دلیل ظلم ظالمان در مردم پیدا خواهد شد . وقتی استثمارگرها بی حرمتی به انسان را به انتها برساند و دنیا از ظلم آنان آکنده شود ، حال تنفر از ظالم و استعداد پذیرفتن عدالت مطلقه در مردم پیدا خواهد شد . آن هنگام است که ماده مُسْتَعَدَّة قابل انفجار است . همان وقت است که عدالت مطلقه ، سرتاسر جهان را فرا خواهد گرفت .

روایات فراوانی که بیشتر از سیصد روایت است ، به این نکته اشاره دارد. روایات می گویند : وقتی ظلم سر تا سر جهان را گرفت ، حضرت بقیه الله خواهد آمد و سراسر جهان را انبوه از عدالت خواهد کرد: **بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا .**

این روایات می گوید :

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آیت از بالا و پست

نکته ای که باید تذکر داد ، این است که این روایات درصدد بیان این نیست که مردم ، ظالم و متجاوز خواهند شد و چون حضرت بقیه الله آمد ، مردم عادل و غیر متجاوز خواهند شد . به عبارت علمی این روایات ، قضیه حقیقیه نیست ؛ بلکه به نحو قضیه طبیعه است . این روایات می گوید : وقتی مردم از ظلم دولتمردان سر خوردند ، وقتی دولت‌ها و ابر قدرتها ، ظلم را به انتها رسانیدند ، حالت سرخوردگی از ظلم و استعداد قبول عدالت مطلقه در مردم پیدا می شود . آن وقت است که امام زمان می آید و دولت حق ، دولت عدالت ، دولت فضیلت بر مردم حکمفرما می شود و آنان با خواست خود با تمایل شدید آن را می پذیرند .

این زمینه و اقتضاء است که شرط اساسی برای یک انقلاب جهانی است . همه انبیاء برای این انقلاب آمدند و آنچه در توان آنان بود، برای این انقلاب جهانی انجام دادند . قرآن می فرماید :

بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ^۱

^۱- حدید ، قسمتی از آیه ۲۵

”همهٔ انبیاء را با معجزات فرستادیم و با آنان ، کتاب ، قانون ، و عدالت بود تا اینکه مردم ، عادل و غیر متجاوز شوند . با آنان شمشیر نیز بود - اسلحه برنده بود تا مُعاندِ لجوج را که پذیرش حق در آنها نیست ، سر جای خود بنشانند ، که در آن سختی شدید است ، منافع فراوان برای مردم در بر خواهد داشت .

ولی چون در مردم زمینهٔ کامل برای یک انقلاب جهانی نبود، نتوانستند آن انقلاب را به ثمر برسانند، این انقلاب جهانی سنت پروردگار عالم است و باید واقع شود.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱

” همو است کسی که فرستاده است رسول خدا را با قرآن ، که موجب هدایت جامعهٔ بشریت است - با دینی حق که - پا برجا است و زایل شدنی نیست - برای اینکه جهانی شود - بر همهٔ دینها . مرامها غلبه کند و این چنین خواهد شد ، ولو غیر موحدین خواهند - توطئه کنند ، بایستند ، مبارزه کند . موقعی که این زمینه و اقتضاء پیدا شد، مهدی رُوحی فداه می آید و به يك شب بر جهان غلبه می کند .

مطلبی که باید توجه کنیم ، کیفیت غلبه است . از روایات بهره می گیریم که این غلبه

به واسطهٔ دو چیز است :

این مرکب چیست و چگونه می شود از کهکشانش گذشت ؟ این سرعت که از سرعت برق بالاتر است ، چگونه انجام می گیرد؟! نمی دانیم . ولی آن مقدار که می دانیم ، این است که أَصْفِ بْنِ بَرْخِيَا مقدار کمی از علم قرآن را دارا بوده ، قطره ای در مقابل دریا، و از نظر قرآن توانسته به یک چشم بر هم زدن که از سرعت برق بیشتر است ، تخت بلقیس را از یمن به

^۱-صف آیه ۹

شام آورد^۱ آن کسی که همه علم قرآن را دارا است ، می تواند به یک چشم به هم زدن ، جهان را سیر کند ؛ از جهان بگذرد ؛ به آسمانهای هفتگانه برسد ، و سرانجام در یک شب بر جهان مسلط شود.

• ۲- نحوه حکومت امام زمان

از نظر روایات ما بلکه از نظر آیات شریفه ، حکومت مهدی رُوحی فداه ، حکومتی مبارک ، پر برکت ، با رأفت ، با فضیلت و سرانجام یک حکومت صد درصد مطلوب برای انسانها است . انسان با فضیلت می تواند سه آرزو داشته باشد : تسلط او بر جهان ، انتشار حقیقت و فضیلت در جهان ، و رفع هر گونه نارسایی از جهان. قرآن می فرماید حکومت مهدی عَجَلِ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ ، چنین است :

وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.^۲

”وعدده داده است خدا افراد شایسته ای را که ایمان دارند و اعمال شایسته می کنند، به اینکه حکومت جهانی می یابند ؛ چنانچه حکومت یافتند افرادی که قبل از آنان بوده اند ، و حتماً دین آنان که مرُضی آنان است ، جهانی شود و امنیت - فضیلت ، انسانیت - جای نا امنی ها ، نارساییها و رذالتها را بگیرد .“

^۱- قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ، فَلَمَّا آهَ مُسْتَقْرَأُ عِنْدَهُ سوره نمل / ۴۰

^۲- نور ، قسمتی از آیه ۵۵

این وعده خدا است و تخلف ندارد . این وعده خدا است برای مهدی و یارانش . این وعده خدا است برای شیعه ، برای افراد شایسته ، برای افراد منتظر فرج . سرانجام این است حکومت مهدی روحی فداه. آنچه از آیات و روایات درباره کیفیت حکومت مَهْدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ به دست می آید، فراوان است که مابریخی از آنها را می آوریم:

۱- غلبه حق بر باطل ۲- غلبه اسلام بر جهان ۳- روز عدالت ، فضیلت ، و امنیت ۴- روز ظهور برکات ، خیرات و نعمتها ۵- روز ظهور علم برای همه ۶- روز ظهور عقل ، فطانت و کیاست برای همه ۷- روز تهذیب نفس برای همه ۸- روز تمکّن و بی نیازی و بر طرف شدن فقر فردی و فقر اجتماعی ۹- روز زوال فواحش و گناه از جهان ۱۰- و سرانجام روز غلبه مستضعف بر مستکبر .

چیزی که تذکر آن ضروری است این است:

از روایت فراوانی که بیشتر از صد روایت است ، می توان بهره گرفت که این حکومت تا قیامت ادامه دارد و بعد از حضرت بَقِيَّةِ اللهِ عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ، پدران آن بزرگوار به دنیا باز می گردند و حکومت جهانی را به دست می گیرند^۱ . از برخی روایات استفاده می شود که حکومت امیرالمؤمنین و حسین علیهم السلام بسیار طولانی است . این بحث در کتابهای کلامی شیعه، ” بحث رَجَعَت “ نامیده شده است . این بحث طولانی است و

^۱- ابن عباس در تفسیر ایه وَالنَّهَارِ إِذَا جَلِيهَا از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: یعنی الاثمه من أهل البيت يملكون الارض في آخر الزمان فيملونها عدلاً وقسطاً: مقصود از روز روشن در آیه ، پیشوایان از ما خاندان نبوت می باشد . که در آخر الزمان مالک (صاحب اختیار و فرمانروای) زمین می گردند و آن را پر از عدل و داد می نمایند (بحارالانوار ج ۵۳ص ۱۱۸، تفسیر علی بن ابراهیم ره)

خلاصه کلام این است که حکومت اهل بیت علیهم السلام بر این جهان ، بعد از حکومت مهدی روحی فداه ، از نظر شیعه قطعی و مسلم است .

• ۵-انتظار فرج

یکی از موضوعاتی که در آیات و روایات بر آن تکیه شده و اهمیت بسزایی دارد، موضوع انتظار فرج است . در روایات ما آیه : **فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ**^۱ یعنی "انتظار بکشید ؛ همانا من با شما از منتظرانم . " که در قرآن تکرار شده است و آیه **فَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ**^۲ ؛ یعنی : "مراقب باشید همانا من هم از مراقبینم !" به انتظار فرج مهدی روحی فداه ، تأویل شده است .

در روایات ما انتظار فرج از افضل اعمال به شمار آمده است^۳ . منتظر فرج و مجاهد فی سبیل الله ، مثل کسی است که در خون خود غوطه ور است . امام صادق (ع) از قول امیرالمؤمنین علی (ع) این طور فرموده اند : **الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِ نَاكَالْمُنْتَشِحِطِ بَدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**^۴ .

کسی که انتظار فرج دارد ، مثل کسی است که در راه خداوند به خون غوطه ور باشد.

^۱ یونس قسمتی از آیه ۲۰-بحارالانوار ج ۵۱ص۵۲-کمال الدین صدوق ره

^۲ -هود قسمتی از آیه ۹۳ ، تفسیر المیزان در ذیل این آیه شریفه از تفسیر عباسی نقل می کند که محمد بن فضل از حضرت رضا علیه السلام درباره انتظار فرج پرسش نمود ، امام در جواب فرمود : " نمی دانی که انتظار فرج ، خود فرج است ؟ آنگاه فرمود : خدا می فرماید : **وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ** .

^۳ -کمال الدین باب ۵۵ - حدیث ۳: **أَفْأَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ**

^۴ -بحار الانوار ج ۵۲ص۱۲۳

از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز ، انتظار فرج از اهمیت خاصی برخوردار است .
 نقل می‌کنند که یکی از جامعه‌شناسان گفته است : اگر شیعه توانسته بماند و سرانجام
 می‌تواند جهان را مستخر کند ، برای انتظار فرج است . یک سیر اجمالی در تاریخ شیعه ،
 این گفته را تأیید می‌کند .

بعد از سقیفه بنی ساعده ، شیعه با ۱۱۴ نفر از بزرگان نظیر سلمان ، ابی ذر ، مالک بن
 نُویره ، امّ سلمه ، فضّه و ... تشکیل شد و از همان روز تا امروز مورد هجوم بوده است . قضیه
 مالک بن نویره که ننگ تاریخ است ، در همان اوایل تاریخ اسلام واقع شد . طولی نکشید
 که حماسه کربلا واقع شد . در مدت بیست سال بعد از حماسه کربلا ، بیش از بیست
 انقلاب واقع شد ، و شیعه از آن روز اول تا امروز ، کشته داده است . کشته‌های دسته
 جمعی ، کشته‌های فردی ؛ زندانهای دسته جمعی و فردی ، زندانهای تاریک با اعمال شاقه
 و زندانهای وسط بیابان حجاج بن یوسف ثقفی و امثالهم را دیده است . هر حزبی که چنین
 هدف امواج باشد ، سرانجام متفرق و مایوس خواهد شد ؛ ولی شیعه اگر کشته‌های دسته
 جمعی یا فردی را می‌داد ، شعارش این بود : منم که به دستم پرچم اسلام روی کره زمین
 افراشته می‌شود و عدالت سرتاسر جهان را خواهد گرفت . شیعه اگر زندانهای تاریک بنی
 عباس و زندانهای مخوف بنی امیه را می‌دید ، در زندان می‌گفت : منم که ظالم را نابود
 خواهم کرد ؛ بنابراین تأکید در انتظار فرج جا دارد .

معنی انتظار فرج آن نیست که در ذهن ما جایگزین است . انتظار فرج از نظر لغت ، به
 معنای تهیو و آمادگی است . مثلاً اگر شما ساعت هشت صبح با کسی وعده داشته باشید

و اگر آن کس دیر آمد و شما قبل از ساعت هشت آمده باشید ، می توانید بگویید منتظر بودم ، نیامد ؛ ولی شما اگر در خواب باشید ، نمی توانید بگویید منتظر بودم .
مطلبی که باید به آن اهمیت دهیم ، معنای انتظار فرج از نظر قرآن و روایات اهل بیت است .

قرآن انتظار فرج را چنین معنی می کند :

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ^۱.

وعده داده است خداوند که افراد شایسته را حاکم بر زمین کند .

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۲.

همانا زمین از آن خدا است . به ارث می دهد به هر که از بندگانش که بخواهد و عاقبت خوش ، فقط از آن پرهیزکاران است .

وَكُتِبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ لَارْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۳.

ما در زبور^۴ داوود - علاوه بر قرآن - نوشته ایم که بندگان شایسته ، بالاخره حاکم بر این زمین خواهند شد .

بنابراین ، آیات به ما می گوید: کسی می تواند وارث این زمین شود که عبد ، شایسته و متقی باشد ؛ والا کسی که بنده شیطان ، بنده هوی و هوس ، غیر شایسته و مُتَّصِفٌ به

^۱-نور ، قسمتی از آیه ۵۵ اعراف/۱۲۸

^۲-اعراف/۱۲۸

^۳-انبیاء آیه ۱۰۵

^۴-مزامیر داوود عليه السلام (زبور) مزمور ۳۷، بند ۳۷-۱۰ کتاب مقدس چاپ ۱۹۰۱ (پیشوای دوازدهم از انتشارات در راه حق قم) در المنجد در لغت زبور اشاره شده که زبور همان مزامیر (دعاها و سرودهای) داود عليه السلام می باشد)

صفات رذیله ، غیر مُتقی و فاسق و فاجر و متجاوز باشد ، نه مصداق آیات است و نه در گفته خود صادق ، اگر بگوید انتظار فرج دارم .

در خاتمه باید تذکر داده شود که منتظر فرج در شیعه ، در زمان غیبت وظایفی دارد که باید به آن وظایف عمل کند . از جمله آن وظایف دعا برای انتظار فرج به یاد گم شده خود مهدی عزیز روحی فداه است و توسل به آن بزرگوار در گرفتاریها ، توجه به اینکه او مُغیث و فریاد رس شیعه است در زمان غیبت . سه مطلب را که خیلی به آن سفارش شده است ، تذکر می دهیم :

۱- خواندن این دعا: **اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي**^۱ و خواندن این دعا یا **اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ**^۲.

۲- ادامه دادن به این دعا که مربوط به امام زمان است و سفارش شده که شیعه همیشه بخواند : **اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا**^۳.

^۱- کمال الدین صدوق ره ج ۲ ص ۳۴۲

^۲- کمال الدین صدوق ره ج ۲ ص ۳۵۲

^۳- روایت کرده محمد بن عیسی به سند خود از صالحین علیهم السلام که فرمودند : مکرر می کنی در شب بیست و سوم از ماه رمضان این دعا را در حال سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکن شود و هر زمانی که حاضر شود تو را ، یعنی یادت بیاید این دعا روزگار حیات می گویی بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگوار و فرستادن صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله **اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ**... "مفاتیح الجنان - مصباح کفعمی"

۳- زیارت آن بزرگوار به طور مداوم ، از جمله زیاراتی که زیارتی پر محتوی و با مضمون عالی است زیارت جامعه کبیره است که مورد عنایت خود آقا نیز می باشد ، و شیعه باید هر روز صبح به صورت مداحی با این زیارت، عرض ادب به ساحت مقدس آن بزرگوار بنماید .

علامه مجلسی اول ، در شرح مَنْ لَا يَحْضُرُ در ذیل این زیارت می گوید : ” چون به نجف مشرف شدم ، برای اینکه لیاقت تشرف حرم علوی را پیدا کنم ، تصمیم گرفتم که چند روزی عبادت کنم . روزها در مقام مقائم و شبها در رواق مطهر مشغول بودم. شبی در عالم مکاشفه حضرت بقیه الله عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ را در حرم پدر بزرگوارش دیدم . فردا به سُرْمَنْ رَأَى مشرف شدم ، و چون وارد حرم شدم ، مهدی روحی فداه آن پاره ماه آنجا بود . ایستادم و از دور به طور مداحی و در حالی که با انگشت اشاره به او می کردم ، زیارت جامعه را خواندم . فرمودند : بیا جلو اُبْهَتْ و عظمت او مانع می شد تا بالاخره جلو رفتم . به مَنْ تَلَطَّفُ کرد و فرمود : نِعْمَ الزِّيَارَةُ هَذِهِ ، یعنی : خوب زیارتی است این زیارت .

گفتم : از جدتان می باشد ؟ و اشاره به قبر مطهر امام هادی (ع) کردم . فرمودند : ” بلی از جدم صادر شده است “ از این جهت، علامه مجلسی دوم درباره این زیارت می فرماید : ” صحیحترین زیارات از نظر متن و سند ، زیارت جامعه کبیره است “ .

از خداوند متعال در ظل توجهات اهل بیت عليهم السلام خصوصاً حضرت بقیه الله عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ، موفقیت همه را برای خدمت به اهل بیت خواهانم .

چهاردهم رمضان المبارک ۱۴۰۲ ؛ برابر پانزده تیر ۱۳۶۱ .

